

۱۵ فیلم مورد توجه جشنوارهٔ چهل و دوم فیلم کوتاه را بشناسید

مسئله‌مند، فرمالیست و سرپا



جشنواره فیلم کوتاه، همواره یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی کشور بوده است؛ جایی که نه‌تنها فیلم‌ها، بلکه استعداده‌ها به نمایش گذاشته می‌شوند. این جشنواره سال‌هاست به سکوی برای معرفی فیلم‌سازان

جوان و خلاق تبدیل شده؛ فیلم‌سازانی که با کمترین امکانات اما با

بیشترین انگیزه وارد میدان می‌شوند تا نگاه تازه خود را بیان کنند.

فیلم کوتاه در ذات خود، مهم‌ترین ابزار تجربه و جسارت در سینماست. در این قالب محدود، فیلم‌ساز باید جهان خود را بسازد؛ داستان بگوید، شخصیت خلق کند و درنهایت تأثیر بگذارد. همین فشردگی به فیلم‌ساز می‌آموزد چگونه خلاصه و دقیق روایت کند؛ مهارتی که اساس هر فیلم بلند موفق است. بسیاری از چهره‌های مطرح سینمای ایران و جهان، کار خود را از فیلم کوتاه آغاز کرده‌اند؛ چراکه این مدیوم، آزمایشگاهی برای خلاقیت و تمرین بیان شخصی است.

اهمیت فیلم کوتاه فقط در تربیت فیلمساز نیست، بلکه در نقش فرهنگی و اجتماعی آن نیز نهفته است. فیلم کوتاه می‌تواند سریع‌تر از سینمای تجاری به مسائل روز جامعه واکنش نشان دهد؛ از دغدغه‌های نسل جوان گرفته تا بحران‌های انسانی، زیست محیطی و فرهنگی. به همین دلیل، تماشای فیلم‌های کوتاه در جشنواره‌ها اغلب تصویری زنده و صادقانه از حال‌وهوای جامعه امروز را پیش روی مخاطب می‌گذارد.

جشنواره فیلم کوتاه علاوه بر نمایش آثار، فرصتی برای یادگیری و گفت‌وگوست. با وجود همه چالش‌ها، فیلم کوتاه‌قلب تپنده سینمای ایران است؛ جایی که خلاقیت هنوز از دل محدودیت‌ها زاده می‌شود. این جشنواره، بیش از هر زمان دیگری اهمیت دارد؛ چون امید به آینده سینمای ایران در همین آثار کوچک؛ اما پر معنا نهفته است. با همه امیدها به این جشنواره؛ اما چند مسئله در جشنواره امسال را نمی‌توان نادیده گرفت. ۱. انتظار می‌رفت فیلم‌های بیشتری با محوریت جنگ ۱۲ روزه ساخته و نمایش داده شوند. موضوعی که نه‌تنها در عرصه سیاسی و اجتماعی

می‌توان به‌جرت عنوان کرد که عرصه سینمای کوتاه در ایران حداقل از بعد کیفی چندپله و مرحله بالاتر از تولیدات بلند داستانی است و بیان این نکته نیاز به نشانه‌های واضح و سند و مدرک هم ندارد. وقتی اقتصاد سیاسی یک جریان فرهنگی منطقی پیش برود، متعلقات و رویش‌های آن جای دفاع بیشتری را برای مدعیان‌باز می‌گذارد. تعداد زیادی از فیلم‌های بلند داستانی درحالی تولید و به اکران می‌رسند که ساخته‌شدن آن‌ها از نظر اقتصادی به‌صرفه نیست، اما باز بایان حال ممانعتی برای عرضه مداوم آن‌ها حتی با قبول شکست‌های وحشتناک مالی وجود ندارد و افراد بدون هیچ دست‌اندازی به راه نسبتاً همواره خود در جاده فیلمسازی ادامه می‌دهند. این در حالی است که در فضای کوچک فیلم کوتاه پولی به آن شکل وجود ندارد که سینماگر بخواهد با خیال آسوده پشت‌سرهم فیلم بد و بی‌کیفیت تولید کند. باتوجه‌به همین نشانه روشن و واضح است که تعداد آثار خوب و قابل اعتنا در مدیوم فیلم کوتاه بیشتر از جریان مسلط سینماست.
باین حال این ۱۵ اثر را به‌عنوان آثار مسئله‌مند و مهم چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران انتخاب کردیم. فیلم‌هایی که از نظر سوژه و پرداخت قابل بحث بودند. (این نکته را هم در نظر بگیرید که ترتیب پرداخت به آثار به معنای ارجحیت نیست و صرفاً بر اساس ترتیب باکس‌هایی است که فیلم در آن نمایش داده شده است.)

■ ■ ■

خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک

خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک، اثری جسورانه و نو است؛ البته از نگاه فرهیختگان. مسئله به‌خوبی با زیست شخصی فیلمساز عجین شده و به همین دلیل فیلم حس برمی‌انگیزد و دریچه تازه‌ای به مفاهیم فقدان، شهادت و انتظار باز می‌کند. فیلم‌های نظیر این فیلم می‌توانند سینمای مقاومت را – که اسیر روخت تکنیکال و بیانیه‌خوانی هستند – نجات دهند. به لحاظ تکنیکی نیز خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک که تقدص است. لانگ‌شات‌ها، اوردها، حرکات دوربین و استفاده از فضای خارج قاب همگی فکرشده‌اند و نشان از پختگی فیلمساز دارند. از نکات مثبت فیلم می‌توان به بازی خوب و کنترل‌شده بازیگران کودک و جلوه‌های ویژه اشاره کرد که در خدمت منطق درونی داستان قرار گرفته‌اند.

تمارض

تنهایی تم‌تکرارشونده جشنواره امسال بود. تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها درباره تنهایی قصه گفتند. تمارض داستان پیر مردی است که نظاهر به بیماری می‌کند تا به بهانه دکتر رفتن بتواند دخترش را ببیند. از نگاه منتقدان فرهیختگان؛ فیلم‌ساز کار عجیبی نمی‌کند با یک دوربین ساکن و روایتگر، قصه‌اش را تعریف می‌کند. آنچه مسلم است تمارض فیلم اجراست. یعنی هر چه دارد صدقه‌سری بازیگران و کارگردانش است. زیرا در فیلمنامه ضعیف‌های اساسی دارد. شخصیت‌پردازی دو کاراکتر اصلی‌اش کاملاً اِتر است؛ شخصیت دختر حتی به تیپ هم تبدیل نمی‌شود. سرنوشت مشکل شغلی دختر هم مشخص نمی‌شود. این ایرادهای می‌توانست فیلم را متلاشی کند؛ اگر کارگردان نجاتش نمی‌داد.

بیست‌ویک

در میان ارزیابی‌های منتقدان بیست‌ویک در مقایسه با اثر پیشین این کارگردان، نه فقط گامی روبه جلو، بلکه پرشی صدم‌تری به سمت افق‌های جدید فیلمسازی در عرصه فیلم کوتاه است. فیلمی که با شناسایی ظرفیت‌های دراماتیک موجود در این مدیوم توانست داستانش را با خلق شخصیت‌های معدود قابل لمس جلو ببرد و «کاراکتر» بسازد. ساخت کاراکتر در سینمای کوتاه بسیار سخت است و هرکسی از پس آن به‌راحتی برنمی‌آید، اما رنچیر که به‌نوعی استخوان‌خودکرده حوزه فیلم کوتاه محسوب می‌شود به‌خوبی توانست از پس انجام این مهم بر بیاید و جهانی تکراری، اما سرپای خلق کند که در میان آثار تولیدشده در مؤسسه اوج برای چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران بی نظیر است.

خداحافظ آشغال

خداحافظ آشغال از نگاه منتقدان فرهیختگان بازگشتی موفق برای برادران ارک به مدیوم فیلم کوتاه از زیبایی شد. فیلمی که نشان می‌دهد، حتی

بازتاب گسترده‌ای داشت، بلکه می‌توانست منبع الهام مهمی برای فیلم‌سازان جوان باشد تا روایت‌های انسانی، احساسی و انتقادی خود را در قالب فیلم کوتاه بیان کنند.
باین حال، برخلاف این انتظار، آثار مرتبط با این رویداد بسیار معدود بودند و به‌نظر می‌رسد فیلم‌سازان ترجیح داده‌اند کمتر به سراغ این سوژه بروند. البته باید در نظر داشت که فاصله زمانی میان وقوع جنگ و برگزاری جشنواره چندان طولانی نبود. تولید فیلم درباره چنین موضوعاتی نیاز به پژوهش، تمرکز و زمان دارد.
باین حال حتی اگر در این دوره، فاصله زمانی باعث کم‌رنگ شدن آثار مرتبط شده، نباید این موضوع به فراموشی سپرده‌شود. هنر اگر از درد و رنج مردم جدا شود، به‌مرور از حقیقت فاصله می‌گیرد.

۲. فیلم‌های امسال جشنواره بیش از اندازه انتزاعی و دور از واقعیت‌های ملموس جامعه‌اند. بسیاری از آن‌ها درگیر فرم و تجربه‌گرایی هستند، بی‌آنکه با مسائل روز ارتباطی واقعی برقرار کنند. حتی آثاری که ظاهراً به موضوعات اجتماعی یا معاصر نزدیک می‌شوند، از نظر حسی و عاطفی مخاطب را درگیر نمی‌کنند و فاصله‌ای سرد میان تصویر و واقعیت ایجاد می‌شود. این رویکرد، اگرچه نشان از تلاش برای خلاقیت دارد؛ اما زمانی خطرناک می‌شود که سینما از مردم و زندگی روز‌مره جدا بیفتد. فیلم کوتاه باید زبان امروز باشد، بازتاب دغدغه‌های نسلش و آینه جامعه‌ای که در آن ساخته می‌شود. فقدان این پیوند انسانی و اجتماعی، بزرگ‌ترین ضعف بخشی از تولیدات امسال است؛ آثاری که در ظاهر مدرن و متفاوت هستند؛ اما از درون تهی از احساس و ارتباط زنده با مخاطب.

۳. یکی از مضامین پررنگ در فیلم‌های جشنواره امسال، تنهایی است؛ احساسی که در روایت بسیاری از آثار به شکل‌های مختلف بازتاب یافته است. فیلم‌سازان جوان به‌درستی دریافته‌اند که تنهایی دیگر فقط یک حس فردی نیست، بلکه بازتابی از شرایط اجتماعی و زیستی امروز است. انتخاب و نقد این موضوع، نشان از نگاه درونی نسل تازه توده زباله هم می‌تواند سمپاتیک به‌نظر برسد و مخاطب را در اتمسفری فانتزی درگیر کند. برای بیان بیگانگی انسان عصر مدرن ظرفیت‌های دراماتیک و ویژه‌ای وجود دارد که خداحافظ آشغال جلوه‌ای از آن را نمایان می‌کند. فضای نک‌لرکیشتی با طراحی صحنه و جلوه‌های بصری موفق، فیلم کوتاه منسجمی را می‌آفریند. خداحافظ آشغال را اگر کنار تولیدات کوتاه آمریکایی در چند سال اخیر بگذاریم می‌بینیم، با تولیدی طرفیم که حتی یک‌سور وگردن از آثار هم‌دسته بین‌المللی جلوتر است.

دریچه

اگر بخواهیم از دریچه منتقدان به فیلم کوتاه «دریچه» نگاه کنیم، این اثر با فهم دقیقی نسبت به مسئله «فیلم کوتاه» ساخته شده و فیلمساز ظرایف لازم برای حضور در این مدیوم را به‌خوبی درک کرده است و موقعیت کوچک‌محوری‌اش را در تعادل با آدم‌های قصه‌اش جلو می‌برد. میزانشن سینمایی و دکور پاژ حساب‌شده، همراه با طراحی صحنه‌ای دقیق و ریتمی متناسب، از نقاط قوت برجسته اثر محسوب می‌شوند. بازی دل‌نشین کاراکتر اصلی فیلم نیز بر کیفیت کلی کار افزوده است. اما می‌شد همین قصه را ساده‌تر روایت کرد و کمی بیشتر فضا و شخصیت را باور پذیر و اینجایی آورد. مشکل اساسی فیلم تکنیک است، تا جایی که حتی معدود مواردی فیلمساز در انتخاب لنز نیز دچار اشتباه شده است.

خواب سوم

خواب سوم هم در میان آثاری است که از نظر ایده قابل بحث بود و به مسئله روان‌کاوی پرداخت. از نگاه برخی از منتقدان منطق روایی اثر ایراد دارد؛ اما برخی دیگر این فیلم را از نظر اجرا این ۱۰ اثر قابل توجه جشنواره فیلم کوتاه امسال قرار داده‌اند. فیلمی که از ارجاعات سینمایی بهره‌برده و توانسته بخش مهمی از مخاطبان را با خود همراه کند. با این حال مسئله اهمیت سوژه و البته پرداخت نسبتاً قابل قبول باعث شده خواب سوم در میان آثار قابل توجه جشنواره فیلم کوتاه امسال تهران قرار بگیرد.

اسپایدرمرد

اسپایدر مرد از نگاه مخاطبان جشنواره فیلم کوتاه امسال مورد اقبال قابل توجهی قرار گرفت. فیلمی با سوژه انتزاعی که بازآفرینی طنز از داستان مرد عنکبوتی دارد و توانسته کیفیت بالایی را در تصویر به مخاطب نشان بدهد. اسپایدر مرد از نظر منطق روایی دچار اشکالاتی است؛ اما مدل طنز اثر و همچنین نیوغ فیلمساز باعث شده که جایی برای خود در بین فیلم‌های قابل توجه این لیست از نگاه منتقدان فرهیختگان پیدا کند. یکی از نقاط قوت اثر، استفاده هوشمندانه از فانتزی برای بازآفرینی شخصیت‌ها و موقعیت‌های کلاسیک مرد عنکبوتی است. این فیلم کوتاه، با ارجاع به خاطرات کودکان و نوجوانان دهه هشتاد از بازی توبی مگوایر و کارگردانی سم ریمل، آشنایی‌زدایی کرده و مخاطب را به تجربه‌ای تازه دعوت می‌کند.

زندگی برای همه

ایده و زندگی برای همه در خشان است؛ کسانی که قصد خودکشی دارند باید مجوز بگیرند و با همین ایده فانتزی اثری سر و شکل‌دار را روانه تصویر کرده است. از نگاه منتقدان این فیلم در میزانشن و اجرا توانسته انتظار مخاطبان را برآورده کند، البته از جهاتی «و زندگی برای همه» را برخی گرت‌برداری از سینمای روشنفکری دانسته و کیفیت این اثر را متوسط ارزیابی کرده‌اند.
باین همه و زندگی برای همه از نظر سوژه قابل توجه است و خودکشی با آنکه مسئله روز جوامع معاصر است؛ اما جایی در میان آثار نداشته.

پیام‌بر

پیام‌بر یکی از آثار خوب جشنواره فیلم کوتاه تهران به حساب می‌آید، البته از نگاه منتقدان ما؛ اثری که به سراغ یک تولید اقباسی سروشکل‌دار رفته و همین به دیالوگ‌ها و منطق روایی داستان کمک قابل توجهی کرده است. می‌توان گفت متن اقباسی‌شده به دلیل مناسب‌بودن برای فیلم کوتاه نیمی از قصه را برای کارگردان طی کرده و عابدنیا هم با یک کارگردانی حساب‌شده، پیام‌بر را به سرانجام رسانده. فیلمی که به‌اندازه سوژه‌اش حرف می‌زند و به‌جای آنکه پر گویی کند و بخواهد سوژه یک فیلم

دارد؛ نسلی که دغدغه‌اش فهم انسان در دل ازدحام و بی‌ارتباطی‌های مدرن است. اینکه فیلم‌سازان به سراغ چنین سوژه‌ای رفته‌اند، اتفاق مثبت است؛ زیرا پرداختن به تنهایی یعنی بازتاب دادن ریشه‌های عمیق خلأ، ناتوانی در ارتباط و نیاز به معنا؛ اما مشکل آنجاست که در جشنواره امسال تعداد قابل توجهی از فیلم‌ها به شکلی مشابه سراغ همین سوژه رفته‌اند. وقتی بیشتر آثار بر محور تنهایی می‌چرخند، جذابیت و تنوع از میان می‌رود و حس تکرار بر فضای جشنواره غلبه می‌کند. گویی فیلم‌سازان ناخواسته از یکدیگر الگو‌برداری کرده‌اند و در نتیجه، نگاه شخصی و خلاقانه در بسیاری از آثار کم‌رنگ شده است. هرچند پرداختن به تنهایی می‌تواند دریچه‌ای برای شناخت درونی انسان معاصر باشد؛ اما تکرار بی‌وقفه آن باعث می‌شود پیام‌ها و احساسات واقعی پشت کلیشه پنهان بماند. سینمای کوتاه ز‌مانی تأثیرگذار است که تنهایی را نه به‌عنوان مد روز، بلکه از زاویه‌ای تازه و متفاوت روایت کند؛ زاویه‌ای که نشان دهد هر فیلم‌ساز نگاه خودش را دارد، نه بازتاب نگاه دیگران.

۴. در جشنواره امسال، اغلب فیلم‌ها بیش از اندازه‌زده‌رم به‌نظر می‌رسند؛ آثاری که تمام توجهشان را صرف زیبایی بصری، ترکیب‌بندی قاب‌ها و تجربه‌های فرمی کرده‌اند، بی‌آنکه محتوای عمیق یا روایت منسجمی پشت آن باشد. گویی فیلم‌سازان گاهی آن‌قدر درگیر نمایش مهارت‌های فنی و سبک شخصی خود شده‌اند که از معنا و ارتباط انسانی اثر غافل مانده‌اند. این گرایش، هرچند نشانه تلاش برای نوگرایی و فاصله گرفتن از روایت‌های کلاسیک است؛ اما وقتی فرم بر محتوا غلبه می‌کند، فیلم‌ها بیشتر به تمرین‌های تصویری شبیه می‌شوند تا تجربه‌ای احساسی و اندیشمندانه. سینمای کوتاه ز‌مانی درخشان است که میان فرم و محتوا تعادل برقرار کند؛ یعنی هر قاب و میزانشن در خدمت ایده و حس داستان باشد، نه برای خودنمایی. جشنواره امسال نشان داد نیاز به بازگشت به روایت‌محوری و معناگرایی بیش از همیشه احساس می‌شود.



۱۵ فیلم مورد توجه جشنوارهٔ فیلم کوتاه تهران به انتخاب «فرهیختگان»	
نام فیلم	کارگردان
خیلی خیلی دور و بسیار نزدیک	احمد حیدریان
تمارض	پیام اینالویی
بیست‌ویک	فرزاد رنجبر
خداحافظ آشغال	بهمن و بهرام ارک
دریچه	محمدابراهیم شهبازی
خواب‌سوم	محمدحسین نیک‌زاد
اسپایدرمرد	حسین ذوالفقاری
و زندگی برای همه	محسن اصدق‌پور
پیام‌بر	احسان عابدنیا
سرخ‌رگ	مهدی گنجی
تخطی	میکائیل دیانی
آدمک	سیاوش گرجستانی
تاپیست	هادی نوری
سوگ سهراب	عماد درویشی
رؤیای آمریکایی	حورا کیان

«ترتیب فیلم‌ها بر اساس ترتیب باکس پخش انتخاب شده و رتبه‌بندی نیست»

بلند را برای یک اثر کوتاه دخیل کند، به‌اندازه قصه خود حرف می‌زند و دوربینش در نشان‌دادن صحنه‌هایی همچون خبردار شدن خانواده‌های شهید اباحیا و حرمت‌شناس عمل می‌کند.

سرخ‌رگ

از نگاه منتقدان فرهیختگان؛ بزرگ‌ترین نقطه قوت سرخ‌رگ، فیلم‌نامه خویش است. فیلم داستان پدر معتادی است که شب خواستگاری دخترش به خانه بازگشته؛ غافل از اینکه عروس خانم قبلاً اعلام کرده که پدرش فوت شد! حال پدر باید خودش را مخفی کند تا خواستگاری خراب نشود. در این میان به علت مصرف مواد، اردوز می‌کند و تادم مرگ می‌رود.
بماند که در این میان ما متوجه می‌شویم عروس و داماد قبل‌با هم رابطه داشتند و این ازدواج برایت حفظ آبرویشان ضروری است. مهم‌ترین نکته سرخ‌رگ تمرکز روی موقعیت‌ها و اهمیت تصویر در فیلم است به جای آنکه به بیانیه‌خوانی روی بیاورد.

تخطی

تخطی هم از دیگر آثاری است که نظرات مختلفی را میان منتقدان سینما برانگیخت. فیلمی که درزیدم‌شدن مو بایل یک دختر را روایت می‌کند و از دید برخی از منتقدان رویکردی جسورانه در بیان موضوع خود دارد و با بازی امیر نوروزی، مخاطب را درگیر می‌کند. مسئله فیلم انتخابی سخت بین ساختار – کارگزار، اخلاق – عدالت، اجتماع – فرد و آرمان – عدالت است و نقدی جدی و ساختاری را در خود جای داده. بسیاری مدل پرداخت دیانی را رادیکال و متفاوت با دیگر آثار اجتماعی چند سال اخیر ارزیابی کرده‌اند. البته برخی از منتقدان هم ضمن توجه به اهمیت نقش امیر نوروزی در این فیلم، بازی برخی از بازیگران فرعی را متوسط ارزیابی کردند و گفته‌اند بعضی از سکانس‌ها می‌توانست به شکل بهتری اجرا شود.

آدمک

«آدمک» با روایتی ساده، عذاب وجدان پسری در نشان می‌دهد که ناخواسته قسمی دروغ خورده است. از نگاه منتقدان فرهیختگان این اثر بدون شعار و اغراق، با پرداختی دقیق و فضاسازی حساب‌شده، در زمان کوتاه خود تأثیری ماندگار بر مخاطب می‌گذارد. آدمک اثر شریفی است با یک دوربین ساده. کارگردان نمی‌خواهد خودش را جلوه دهد و از طرفی اثر خارق‌العاده‌ای هم خلق نمی‌کند. گرجستانی به‌راحتی می‌توانست بيفتد به گرت‌برداری از فرهادی و همه چیز را خاکستری ترسیم کند؛



فرهنگ



پنجشنبه اول آبان ۱۴۰۴



شماره ۴۵۳۸



FARHIKHTEGANDAILY.COM



FARHIKHTEGANONLINE

